

سازکارهای سبک‌شناسی آماری در سبک‌سنجی نقد کتاب فی النص الأدبی؛ دراسة أسلوبية إحصائية

یوسف نظری*

چکیده

کتاب فی النص الأدبی؛ دراسة أسلوبية إحصائية نشر یافته سال ۱۹۹۳، اثر دکتر سعد مصلوح از نخستین و برجسته‌ترین آثاری است که در حوزه مطالعات زبان عربی به بررسی مقوله سبک‌شناسی آماری پرداخته است. این اثر از دو منظر شکلی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفت. بررسی بعد شکلی شامل طرح جلد، حروف‌نگاری، صفحه-آرایی، اشتباهات تایپی می‌باشد. محور بررسی محتوایی نیز شامل شیوایی بیان، نظم مطالب، منابع و ارجاع‌دهی، نوآوری‌ها و نقد و بررسی آن می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد از آنجاکه این کتاب قریب به بیست سال پیش منتشر شده است، از لحاظ شکلی و بخصوص حروف‌نگاری و شیوه ارجاع‌دهی، دارای کاستی‌های متعددی می‌باشد. از لحاظ محتوایی نیز بایست اذعان نمود که با وجود بدیع بودن این نظریه در حوزه مطالعات عربی، اما آرائی که مبنای نظری کتاب را شکل می‌دهند، اصولاً برگرفته از صاحب‌نظران غربی می‌باشد. بنابراین نوآوری اصلی کتاب را بایست در پرداختن به موضوع در مطالعات عربی و پیاده‌سازی طرح‌ها و الگوها بر متون عربی دانست.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی آماری، سبک‌سنجی، سعد مصلوح.

۱. مقدمه

سبک‌شناسی دیرینه‌ای بس طولانی دارد. ریشه‌های آن را می‌توان در قرن‌های متمادی دنبال نمود. رفته رفته سبک‌شناسی دارای معیارها و شاخص‌هایی گردید که آن را به سوی علمی شدن سوق داد و به همین اندازه از مقیاس‌های ذوقی دور نمود. در مطالعات جدید رویکردهای متعددی برای سبک‌شناسی ظهور کرده است. یکی از جدیدترین و چالش-برانگیزترین آن، رویکرد آماری می‌باشد. این رویکرد می‌کوشد تا با کمک ریاضیات و

* استادیار بخش زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز Nazari.Yusuf@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۰

آمار، به بررسی و شناسایی سبک آثار ادبی و غیرادبی بپردازد. این رویکرد در جدیدترین تلاش‌های خود سعی نموده است چنان وجه علمی بیابد که بتواند با تدابیری نه تنها سبک نویسنده را تشخیص دهد، بلکه در گامی فراتر به شناسایی نویسندگان متون مجهول نیز بپردازد.

در حوزه پژوهش‌های عربی، کتاب «فی النص الأدبی؛ دراسة أسلوبیة إحصائیة» نشریافته سال ۱۹۹۳، اثر دکتر سعد مصلوح از نخستین و برجسته‌ترین آثاری است که به سبک‌شناسی آماری پرداخته است. این اثر -که در حقیقت هر یک از فصل‌های آن مقاله‌ای است که پیش از این به صورت مستقل منتشر شده است- به مباحث متعددی از جمله مبانی، رویکردها و نظریه‌ها پرداخته و از سوی دیگر با تلاشی ستودنی این نظریات را بر آثار ادبی عربی پیاده ساخته است. استفاده شایان از منابع اصلی و تسلط ایشان بر پیشینه پژوهش در مطالعات غربی، در کنار قلم شیوای نویسنده، باعث شده تا این اثر جایگاه خاصی را در مطالعات سبک‌شناسی آماری احراز نماید.

در این مقاله برآنیم تا اثر حاضر را از دو بعد شکلی و محتوایی مورد بررسی قرار دهیم. در همین راستا سوالات اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. ابعاد شکلی و ظاهری اثر در چه سطحی قرار دارند؟

۲. جنبه‌ها و ارکان محتوایی اثر از چه امتیازات و کاستی‌هایی برخوردار می‌باشد؟

در پاسخ به این سوالات در بعد شکلی به طراحی جلد و صحافی، حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی پرداخته می‌شود. میزان رسایی اثر، تنظیم فهرست منابع و ارجاع‌دهی، تحلیل و بررسی، روزآمدی و نوآوری، و اصطلاحات تخصصی محورهای اصلی نقد و بررسی محتوایی اثر را شکل می‌دهند. البته پیش از این مباحث، مختصر توضیحی درباره ماهیت سبک‌شناسی آماری و آراء و نظرات مطرح در این خصوص داده شده است. سپس اثر مورد نظر به صورت کلی معرفی می‌گردد. در این همین راستا دیدگاه‌های مهم در مورد این کتاب و چالش‌های اساسی روبروی آن به اختصار بیان می‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص سبک‌شناسی آماری تا کنون کارهای بسیاری به زبان‌های مختلف منتشر شده است. برخی از این پژوهش‌ها به مبانی سبک‌شناسی و تفاوت‌های ساختاری آن با سبک‌شناسی آماری پرداخته‌اند. برخی نیز با استفاده از فرمول‌ها و ابزارهای سنجش آماری، تلاش نموده‌اند سیستم‌ها و مکانیزم‌هایی برای نه تنها تعیین سبک نویسنده، بلکه

برای تشخیص صاحب اثر، طراحی نمایند. اما در خصوص بررسی دیدگاه‌های سعد مصلوح - و به خصوص این کتاب وی - تا کنون مطلب مستقلی ارائه نشده است؛ هرچند در لابلای کتابهای این حوزه می‌توان نقد و بررسی‌های پراکنده‌ای در این خصوص یافت.

۳. سبک‌شناسی و آمار

کاربرد روش‌ها و آزمون‌های آماری در مطالعات زبانشناسی و ادبی پیشینه‌ای نسبتاً طولانی دارد. اولین تلاش برای سنجیدن سبک نوشتاری به قرن ۱۹ میلادی بازمی‌گردد. این مطالعات توسط Mendenhall در سال ۱۸۳۷ بر روی نمایشنامه‌های شکسپیر انجام شد. سپس مطالعات آماری در نیمه اول قرن بیستم توسط Zipf در سال ۱۹۳۲ و Yule در سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۴۴ انجام گردید. مطالعات دقیق‌تر توسط Wallace و Mosteller در سال ۱۹۶۴ انجام گرفت (فرهمندپور، ۱۳۹۱: ۲۷).

این موضوع در جوامع علمی عربی واکنش‌های متفاوتی را در پی داشته است. اما به طور کلی اینکه آیا می‌توان با استفاده از روش‌های آماری به بررسی سبک یک اثر ادبی پرداخت یا خیر، بسته به این مقوله است که آیا سبک‌شناسی یک علم است یا نه. در این خصوص نظرات متناقضی وجود دارد برخی صاحب‌نظران همچون شارل بالی، یاکوبسن، عبدالسلام المسدّی، سعد مصلوح، صلاح فضل و ... آن را علمی مستقل می‌دانند و برخی همچون جوزیف میشل، گریماس، کورتیس، کمال أبودیپ، رجاء عید، و ... این اعتبار را برای سبک‌شناسی قائل نیستند. موج سوم نیز وجود دارد که سبک‌شناسی را در مرحله گذار به سوی علم شدن می‌دانند و از جمله اینان شگری عیّاد و خیرالدین محمد را می‌توان نام برد. (رک: حسنین، دت: ۱۱-۵)

آبخور برخی از دلایل مخالفان علم بودن سبک‌شناسی، میحث آمار می‌باشد. جوزیف میشل معتقد است که سبک‌شناسی نمی‌تواند یک علم محسوب شود چرا که اصول و مبانی آن برگرفته از زبانشناسی و آمار است. رجاء عید آمارها و ارقام‌های سبک‌شناسی را بسان کف روی آب می‌داند. (رک: حسنین، دت: ۱۱-۵) و دکتر عبدالمطلب معتقد است که این رویکرد به خاطر اتکا بر آمار و ارقام گنگ، از ماهیت ادبیات دور می‌شود و نتایج سودمندی را حاصل نمی‌کند. (عبدالمطلب، ۱۹۸۶: ۲۳) اما در این میان دکتر سعد مصلوح بر این باور است که اگرچه ادبیات یک هنر است نه علم، اما برای بررسی آن باید به ناچار از روشی کاملاً علمی استفاده کرد. بر همین اساس است که نیازمند فلسفه، موضوع، شیوه، معیارهای اندازه‌گیری و سنجش، توصیف و استنباط می‌باشد. (مصلوح، ۱۹۹۲: ۱۲) چراکه

سبکشناسی آماری کمیت و آمار را بر حدس و گمان ترجیح می‌دهد (أحمد علی، ۲۰۱۰: ۴۲) و از سوی دیگر «هدف‌گذاری در آمار، همواره با هدف‌گذاری در دانش‌های دیگر یکسان نیست. به دیگر سخن، گاهی هدف از گرفتن آمار، به زبان آمار درآوردن یک نکته از پیش دانسته است. گذشته از این، بارها پیش آمده است که پس از بررسی موشکافانه، تصویری همه‌گیر درباره شعر یا نظریه‌ای پذیرفته شده، نقض و رد شده و نادرستی آن آشکار گشته است.» (فیروزیان، ۱۳۸۹: ۵۶)

پس فارغ از اینکه سبکشناسی یک علم مستقل هست یا خواهد شد، باید اذعان کرد که روش‌های سنجش آماری در حقیقت یکی از بازوهای توانمند سبکشناسی است که می‌تواند نتایجی را که از گذر معیارهای ذوقی برای یک ناقد ادبی حاصل می‌شود با گزاره‌های علمی محض تایید و اثبات نماید. البته هنریش بلیت برای اینکه نتایج سبکشناسی آماری دقیق و قابل اعتماد باشد دو شرط را متذکر می‌شود: یکی اینکه مؤلفه‌های بیشتری از متن مورد بررسی قرار گیرد و دوم دامنه مجموعه گسترده باشد. (أحمد علی، ۲۰۱۰: ۴۳-۴۲)

۴. معرفی اثر

«فی النص الأدبی؛ دراسة أسلوبية إحصائية» اثر دکتر سعد مصلوح می‌باشد. دکتر مصلوح متولد سال ۱۹۴۳ قاهره است و هم‌اکنون استاد دانشگاه کویت می‌باشند. وی این کتاب را تا کنون از سوی سه انتشارات، منتشر ساخته است. نسخه‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است در سال ۱۹۹۳ توسط انتشارات عین الدراسات و البحوث الإنسانية والاجتماعية لبنان در قالب یک جلد و ۲۲۳ صفحه انتشار یافته است. نویسنده کوشیده است تا پس از طرح مباحث نظری که برگرفته از مطالعات غربی حوزه پژوهش می‌باشد، آن در قالب یک طرح بر متون ادبی عربی پیاده سازد. بدین منظور چهار فصل برای کتاب تنظیم نموده است:

۱. الدراسة الإحصائية للأسلوب بين المفهوم والإجراء والوظيفة.

۲. قياس خاصية تنوع المفردات في الأسلوب عند العقاد والرافعي وطه حسين.

۳. تحقيق نسبة النص إلى المؤلف (دراسة أسلوبية في الثابت والمنسوب من شعر شوقي)

۴. في التشخيص الأسلوبی الإحصائی للاستعارة (دراسة في دواوين البارودي وشوقي والشابي)

اما باید توجه داشت که تمامین فصول قبلا به صورت پژوهش‌هایی مستقل به چاپ رسیده‌اند. به عبارت دیگر این کتاب مجموعه‌ی آن مقالاتی است که دکتر سعد مصلوح در زمینه سبک‌شناسی آماری نگاشته است.

فصل اول: «الدراسة الإحصائية للأسلوب بحث في المفهوم و الإجراء والوظيفة»، عالم الفكر. رقم ۳، ص ۷۰۸-۶۶۷

فصل دوم: «قياس خاصية تنوع المفردات في الأسلوب: دراسة لنماذج من كتابات العقاد والرافعي وطه حسين»، مجلة كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الملك عبد العزيز - السعودية، ع ۱، ص ۴۹ - ۱۶۹

فصل سوم: «تحقيق نسبة النص إلى المؤلف: دراسة في الثابت والمنسوب من شعر شوقي»، مجلة فصول، مج ۳، ع ۱، ص ۱۲۰ - ۱۴۲

فصل چهارم: «في التشخيص الأسلوبى الإحصائى للاستعارة: دراسة في دواوين البارودى وشوقى والشابى»، مجلة الحياة الثقافية. رقم ۴۵، ص ۳۶-۴۷

همین امر باعث شده است تا حدودی روابط میان فصول به خصوص ارتباط فصل چهارم با ما قبل، مخدوش گردد؛ هر چند نمی‌توان گفت که این اثر فاقد سیر و نظم منطقی لازم می‌باشد.

از سوی دیگر به طور کلی ایرادات اساسی بر رویکرد دکتر مصلوح در این کتاب گرفته شده است. برای نمونه حسن ناظم در کتاب «البنى الأسلوبية» معتقد است از آنجاکه برخی موانع، مانع این شده است که مصلوح بتواند نظریه بوزیمان را که بر زبان آلمانی پیاده ساخته است را بر زبان عربی تطبیق دهد، این کتاب مخدوش می‌باشد. و از جمله ایرادات وارد شده عبارت است از:

۱. ساختار زبان آلمانی با زبان عربی تفاوت دارد. همین امر باعث شده است که مصلوح برخی ویژگی‌های زبان عربی را نادیده بگیرد.

۲. سعد مصلوح برای تطبیق این نظریه بر زبان عربی دلایل و مجوزهای کافی ارائه نداده است.

۳. سعد مصلوح افعال ناقص، افعال جامد، افعال شروع، و جملاتی را که در زبان عربی صفت واقع می‌شوند را در آمار لحاظ نکرده است و این با رویکرد آماری منافات دارد. (ناظم، حسن ۲۰۰۲: ۵۲؛ أحمد علی ص ۴۳)

بنابراین اگرچه روش آماری در مطالعات غربی توانسته است برخی ویژگی‌های متون را آشکار سازد اما از آنجاکه در مطالعات عربی صرفاً به آن نظریات غربی اکتفا شده، و

ویژگی‌های متون عربی نادیده گرفته شده است، نیازمند بازنگری می‌باشد. (أحمدعلی، ۲۰۱۰: ۴۵-۴۴)

یکی دیگر از ایرادات اساسی وارده بر شیوه آماری، این است که اعتبار لازم را برای بافت کلام و بخصوص بافت موقعیت قائل نمی‌شود. به عبارت دیگر با صرف شمارش کلمات و تکرار آنان نمی‌توان گفت که سبک یکنویسنده یا شاعر چگونه است. از سوی دیگر سبک‌شناسی دوره، و سبک‌شناسی موضوع اثر نیز اهمیت بخصوصی دارد. مثلاً هر موضوع می‌تواند در هر دوره‌ای به گونه‌ای مطرح شود. در این صورت نمی‌توان ویژگی‌هایی را که از یک اثر واحد استخراج می‌کنیم سبک نویسنده بدانیم. (رک: شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۸۷). از سوی دیگر مثلاً یک مطلب که در زمینه حیوانات نوشته شده است به ناچار از بسامد واژگانی بالایی در خصوص حیوانات برخوردار است. و یا اینکه موضوعی که به وادی گیاه‌شناسی مربوط است به ناچار دارای بسامد بالای گیاهی و اجزای گیاهی است. (فضل، ۱۹۹۸: ۲۴۳) بر این اساس صلاح فضل معتقد است که برای بررسی سبک مثلاً یکی از قصاید امرؤالقیس، می‌بایست از یک سو تمام شعر جاهلی و خمیریات و وصفیات آن مورد بررسی قرار گیرد و همچنین تمام اشعار امرؤالقیس. سپس قصایدی را که در همان موضوع در دوره‌های بعد سروده شده‌اند مورد بررسی قرار گیرند، تا از این رهگذر ویژگی‌های سبکی آن قصیده دریافت شود. (فضل، ۱۹۹۸: ۲۴۴) پس صرف واژه‌شماری نمی‌توان سبک را استخراج کرد. در این خصوص دکتر صلاح فضل به شش دلیل معتقدند که نایست بر نتایج سبک‌شناسی آماری به طور کامل اعتماد کرد. (رک: فضل، ۱۹۸۳: ۱۳۹-۱۳۸) که البته دکتر سعد مصلوح در مقاله‌ای تحت عنوان «علم الأسلوب والمصادرة علی المطلوب» به این ایرادات پاسخ داده است. (مصلوح، ۱۹۸۵: ۲۱۵-۲۰۷)

۵. ابعاد شکلی اثر

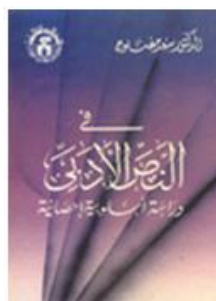
اگرچه تدوین و نشر کتاب برای عرضه افکار و مفاهیم، و به عبارتی محتویات آن می‌باشد، اما نمی‌توان نقش بسزای مسائل ظاهری در انتقال این مفاهیم را نادیده گرفت. شکل ظاهری اثر به موارد متعددی برمی‌گردد. از یک سو به کیفیت کاغذ و صحافی، و از سوی دیگر به طرح جلد، حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی آن باز می‌گردد.

۵-۱. طراحی جلد و صحافی

کتاب مورد بررسی، چندین بار و از سوی انتشارات متعددی چاپ شده است. هر یک از این چاپ‌ها مزایا و کاستی‌های خود را دارد. از سویی هر انتشارات طرح جلد خاصی را

سازکارهای سبک‌شناسی آماری در سبک‌سنجی؛ نقد کتاب ... ۲۸۹

برای کتاب انتخاب نموده است. انتشارات «النادی الأدبی الثقافي» در سال ۱۹۹۱ این کتاب را در ۲۶۴ صفحه چاپ نموده است. (تصویر ۱) در سال ۱۹۹۳ همین کتاب از سوی انتشارات «عین الدراسات والبحوث الإنسانية والاجتماعية» در ۲۲۳ صفحه با طرح دیگری انتشار یافته است (تصویر ۲) که نسخه مورد بررسی همین چاپ می باشد. در سال ۲۰۰۲ انتشارات «عالم الكتب» آن را در ۱۵۶ صفحه با طرح جلد جدیدی منتشر کرده است. (تصویر ۳) نکته قابل توجه این است که عنوان کتاب در سال ۲۰۰۲ از «دراسة أسلوبية إحصائية» به «دراسات أسلوبية إحصائية» تغییر یافته است.



تصویر ۱



تصویر ۲



تصویر ۳

درخصوص صحافی بایست متذکر شد که نسخه اصلی چاپ ۱۹۹۳ در بازار وجود ندارد و داوری کتاب با استفاده از فایل pdf آن صورت پذیرفته است. نسخه منتشر شده از سوی انتشارات «عالم الكتب» اگرچه به دست اینجانب نرسید اما با توجه به دیگر کتاب‌های منتشر شده از این انتشارات می‌بایست از صحافی خوبی برخوردار باشد.

۵-۲. تایپوگرافی اثر

«حروف‌نگاری یا تایپوگرافی (Typography) از دو جزء تایپ (حروف چاپی) و گرافی (نوشتن و نگاشتن) تشکیل یافته است و به روشنی نگاشتن و آرایش با حروف چاپی، معنی می‌دهد. شاخه حروف‌نگاری دو بخش دارد؛ یک بخش حرفه‌ای آن است، شامل طراحی تایپ‌فیس (Type Face) (قلم، فونت) و بخش دیگر و اصلی آن، مربوط به جنبه کاربردی و مصرفی آن است که شامل آرایش و ترکیب تایپ در صفحه و بار گرافیکی آن

در زمینه‌های گوناگون می‌باشد». (رضائی نبرد، ۱۳۸۹: ۴۶) در این خصوص به نکاتی اشاره می‌شود.

۵-۲-۱. حروف‌نگاری

۱. وجود شیوه رایج اما ناصحیح اتصال واو عطف و همزه استفهام به کلمه بعد: این امر گاه خوانش کلمات را با مشکل روبرو می‌سازد.

۲. عدم تایپ دو نقطه زیر حرف «ی»: که ممکن است باعث شود با الف مقصوره «ی» اشتباه شود. تقریباً در کل کتاب این مشکل وجود دارد. نمونه‌های متعدد آن را مثلاً در صفحه ۷۶ می‌توان یافت.

۳. عدم تایپ حرکات ابیات شعر: مانند ص ۲۰۱۱۶۷ و ۱۹۲-۱۸۷

۴. عدم برخورد یکسان با اعلام لاتین: برای نمونه در صفحه ۱۷ نام سوسیور بدون معادل لاتین آمده است اما در صفحه بعد اسامی بیبر جیرو، بالی، و جاکوبسون به همراه معادل لاتین ذکر شده‌اند

۴. عدم برخورد یکسان با نام‌های قصائد: برای نمونه در صفحه ۱۶۸ عناوین «روایة فاشودة» و «حکایة السودان» درون علامت گیومه قرار گرفته‌اند. اما در همین صفحه عناوین (عاد لها عرابی) و (صوت العظام) درون علامت پرانتز قرار داده شده‌اند.

۵. عدم اتصال صحیح علایم: شایان ذکر است علایم سجاوندی همچون نقطه، ویرگول، علامت سوال، علامت تعجب و... باید به کلمه قبل متصل شوند و سپس بعد از آن‌ها یک حرف فاصله انداخته شود.

۶. عدم تایپ صحیح علایم نگارشی پرانتز و علامت نقل قول: اینگونه علایم که محدود کننده کلمه یا عبارت بخصوصی هستند می‌بایست از دو سمت به ابتدای و انتهای مطلب مورد نظر متصل شوند.

یکی دیگر از مواردی که در حروف‌نگاری شایان توجه است وجود اغلاط تایپی می‌باشد. اگر مساله اتصال حرف واو و همزه استفهام به کلمه بعد که به نظر اینجانب اشتباه تایپی محسوب می‌شود را نادیده بگیریم، اشتباهات تایپی این اثر در حد قابل قبول می‌باشد. برخی از این اشتباهات در جدول زیر آمده است:

صفحه	صحيح	اشتباه	ردیف
۲۴	بين	بنی	
۲۸	قسمة	قسمة	
۳۵	وفقاً	وفقاً	
۷۵	أنحاء	أنحاد	
۷۸	بين	بنی	
۷۸	لمناقشة	لماقشة	
۸۸	ذوقية	ذوقية	
۹۷	۴	۴,۵	
۱۲۳	بديهي	بدهی	
۱۵۷	الدراسة	الداسة	
۱۶۱	الأخرى	الأخرى	
۱۶۳	البلقان	البقان	
۱۶۴	تقارن	تقرن	
۱۷۸	خاصية	خاصة	
۲۲۲	المدرسة	المدرسة	

۵-۲-۲. صفحه‌آرایی

نسخه‌ای مورد بررسی انتشار یافته سال ۱۹۹۳ می‌باشد. به عبارت دیگر بیش از بیست سال از انتشار آن می‌گذرد. با توجه به پیشرفت صنعت چاپ و نشر، شاید بتوان عیوب و ایرادات متعددی بر صفحه‌آرایی این کتاب وارد کرد که البته این امر دور از انصاف می‌باشد. چراکه این کتاب با توجه به امکانات چاپ سال نشر و در مقایسه با کتابهای آن زمان، ای چه بسا ستودنی نیز باشد. با این حال برخی نکات در خصوص صفحه‌آرایی بیان می‌گردد:

۱. ناپسامانی در تنظیم مطالب همسان: همچون میزان تورفتگی زیر مجموعه‌های صفحه ۱۹۰ (المركب الفعلي، المركب المفعولي والمركب الوصفي) و یا مباحث فرعی متناظر در صفحات ۱۸۷ و ۱۸۸

۲. ناپسامانی در شماره‌گذاری مباحث اصلی و فرعی: برای نمونه در صفحه ۸۷ و ۱۲۹ مباحث فرعی به صورت «أولاً، ثانياً» آمده است. همین مباحث در صفحه ۱۱۶ «أولها و ثانيها و...» و در صفحه ۱۲۶ با اعداد شماره‌گذاری شده است.

۳. پاورقی‌های ناهمگون: مطالب فارسی و عربی پاورقی باید راست‌چین شود و مطالب لاتین بنا بر جهت نگارش می‌بایست چپ‌چین گردند. مثلاً در صفحات ۵۷، ۹۶، ۱۸۹، ۱۹۱ و ۱۹۲ پاورقی‌های لاتین باید از سمت چپ چیدمان شوند.

۴. عدم قرار گرفتن عنوان فصل‌ها در سرصفحات.

۵. جدا افتادن تیتراژ مطالب: اصولاً نبایست عنوان فرعی در صفحه‌ای قرار گیرد و مطالب آن در صفحه بعد. اما این چندین بار رخ داده است. برای نمونه عنوان «الطريقة الثالثة: إبداع...» در خط آخر صفحه ۹۷ و عنوان «الطريقة الرابعة: إبداع...» در خط پایانی صفحه ۹۸.

۶. تحلیل ابعاد محتوایی

محور نقد محتوایی شامل میزان رسایی اثر، تنظیم فهرست منابع و ارجاع‌دهی، تحلیل و بررسی، روزآمدی و نوآوری، و اصطلاحات تخصصی می‌باشد.

۱-۶. روان و رسا بودن اثر

عوامل متعددی می‌تواند دست به دست هم دهد تا اثری روان و رسا پدید آید. این عوامل را می‌توان در دو قالب چیدمان و سیر مباحث، و شیوه بیان دسته‌بندی نمود. در خصوص مورد نخست لازم به ذکر است که مباحث کتاب اعم از بخش‌ها و فصل‌ها، منسجم می‌باشد و سیر معقولی را طی نموده است. در مورد شیوه بیان نیز باید اشاره کرد که دکتر سعد مصلوح قلم بسیار شیوایی دارند و توانسته‌اند غالب مباحث را با زبانی گویا بیان دارند. با این حال برخی نکات قابل طرح می‌باشد:

۱. ابهام بیانی: زمانی که به مباحث محض آماری پرداخته شده است کلام تا حدودی مبهم شده است. بخصوص اینکه فرمول‌هایی که ارائه نموده‌اند گاه با شیوه محاسبه همخوانی ندارند. برای نمونه می‌توان به مباحث صفحات ۱۰۰-۹۶ اشاره نمود. و اصولاً برای کسانی که با مطالعات آماری آشنایی تخصصی ندارند قابل فهم نیست و نیازمند تبیین و توضیح بیشتر می‌باشد.

۲. عدم ترجمه کامل متون لاتین: گاهی نویسنده عناوین برخی کتب، مقالات و پژوهش‌ها را به همان صورت لاتین در متن آورده‌اند. این امر رایج نیست و شایسته بود ترجمه این عناوین را نیز می‌آوردند. برای نمونه در صفحه ۱۲۱ آمده است: «حتی أصدر یول کتاباً له بعنوان: Statistical Study of Literary Vocabulary Cambridge, University Press» که

از سویی معادل آن ذکر نشده و از سوی دیگر اطلاعات کتابشناسی آن نیز در ادامه متن به همان صورت انگلیسی آورده شده است.

۳. عدم پاورقی‌های توضیحی: هرچه مطالب کتاب تخصصی‌تر باشد لزوم استفاده از پاورقی‌های توضیحی به خصوص در ترجمه کتاب، بیشتر می‌شود؛ امری که در این ترجمه به ندرت به آن توجه شده است. از جمله موارد نیازمند توضیح: برای نمونه در صفحه ۷۷ مقصود از معادلات ریاضی حساب «التباین»، «الانحراف المعیاری»، «الارتباط» و «کای ۲» برای متخصصان رشته زبان و ادبیات عربی چندان معلوم نیست.

۴. عدم معرفی کتب و منابع مرتبط با مباحث: پسندیده بود که نویسنده گرامی در انتها و یا ابتدای هر فصل و یا مبحث، تعدادی کتاب را برای مطالعه بیشتر معرفی می‌نمودند. بخصوص اینکه برخی مباحث کاملاً آماری می‌باشند.

۵. نبود فهرست اعلام. این فهرست می‌تواند فواید بسیاری به همراه داشته باشد.

۶. نبود واژه‌نامه اصطلاحات تخصصی.

۷. ویرایش ادبی: اثر حاضر فاقد ویراستار علمی و ادبی می‌باشد و برخی عبارات نیازمند ویرایش می‌باشند:

صفحه ۷۶: «نوردها لا علی وجه الحصر إنما لنشیر بها إلی ما ینتظر الأسلوبیات الإحصائیة من مهمات جسام فی جمیع میادین الدراسات الإنسانیة عل یتنوعها ورحابها». بهتر است بگوییم: بل إنما... ینتظر من الأسلوبیات ...

صفحه ۱۲۲: و قد مضی زمن طویل علی صدور کتاب یول استحق مکانة خاصة.. بهتر است: حتی استحق....

صفحه ۱۷۱: تحديد القوائد المشکوک فی نسبتها. بهتر است بگوییم: القوائد المشکوکة....

۶-۲. تنظیم فهرست منابع و ارجاع‌دهی

یکی از نقاط قوت اثر، رجوع نویسنده به اهم منابع پژوهش می‌باشد. کما اینکه این مراجعه، به صورت مستقیم و بدون واسطه بوده است. اما جای تعجب است که نسخه موجود فاقد فهرست منابع می‌باشد. وجود اجزای پایانی کتاب بعد از فهرست مطالب و قبل از فهرست نشان می‌دهد که این فهرست در اسکن فایل نیفتاده است بلکه نویسنده گرامی، فهرست منابعی تنظیم نموده است! در این خصوص صرفاً در صفحات ۱۷۴-۱۷۳، برخی منابع مبحث سوم (فصل سوم) ذکر شده‌اند. علت اصلی تنظیم نمودن فهرست منابع این است که این اثر در حقیقت مجموعه مقالات است و نویسنده برای کل مطالب فهرست جامع و

مجزایی تنظیم نموده است. با این حال بررسی منابع مذکور در پاورقی‌ها نشان می‌دهد که نویسنده تلاش نموده است نظریات را از اصل کتابها اعم از لاتینی و عربی بیان نمایند که نمونه مهمترین آثار حوزه پژوهش محسوب می‌گردد.

در خصوص ارجاع‌دهی نیز اگرچه نویسنده در موارد متعددی به نظام استناددهی پایبندی دقیقی ندارند و شاید بدین خاطر است که این کتاب بیش از بیست پیش چاپ شده است، اما اصولاً منبع مطالب را ذکر کرده‌اند. اما ایراد شایع در استناددهی را می‌توان در تشتت سبک‌های استنادی کتاب دانست. برخی از شیوه‌های مورد استفاده در این کتاب عبارتند از:

برای نوبت اول:

۱. نام نویسنده : عنوان کتاب، شهر، سال چاپ (صفحه ۱۳ کتاب)

۲. نام نویسنده + نام خانوادگی: عنوان کتاب + نوبت چاپ + انتشارات، شهر، سال چاپ (صفحه ۱۷ کتاب)

برای نوبت‌های دوم به بعد:

۳. نام نویسنده + نام خانوادگی: عنوان کتاب + جلد / صفحه (صفحه ۱۱۳)

۴. نام کتاب: جلد / صفحه (صفحه ۱۱۳ کتاب)

۵. نام کتاب : صفحه (صفحه ۱۱۶ کتاب)

آنچه گفته شده تنها از باب نمونه است و در صورتی که تمام الگوهای استفاده شده استخراج گردد، این تشتت و نابسامانی بسیار بیش از این می‌باشد.

۷. تحلیل و بررسی

استفاده شایان از منابع اصلی و دست اول تحقیق یکی از نقاط قوت اثر می‌باشد که باعث گردیده نظریات اندیشمندان غربی به صورت صحیح به کسانی که این مطالعات را به زبان عربی دنبال می‌کنند انتقال یابد. البته لازم به ذکر است که نویسنده در مباحث اصلی کتاب اصولاً به یک نظریه اکتفا نموده است و غالباً نظریات مختلف را به چالش نکشیده است. شاید این بدین خاطر بوده است که قصد نویسنده از این کتاب معرفی و تطبیق شیوه آماری بر روی متون ادبی بوده است و به همین خاطر تنها یکی از برجسته‌ترین نظریات را اتخاذ نموده و بر متون مختلف پیاده ساخته است. اما اینکه مثلاً نظریات متعدد آماری را با یکدیگر مقایسه نماید و مزایا و معایب هر کدام را مورد بررسی قرار دهد از اهداف کتاب

نبوده است. بنابراین شیوه کتاب تقریری است و از به چالش کشیدن نظریات مختلف به دور مانده است.

۷-۱. روزآمدی و نوآوری

پژوهش‌های علمی را بر اساس ماهیت داده‌های تحقیق به دو نوع کمی و کیفی تقسیم می‌کنند. دانشمندان در پژوهش کمی - که بر اساس مکتب اثبات‌گرایی استوار است - علاقمند به تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی‌اند تا برای تحلیل‌های آماری قابلیت داشته باشد. (رضی، ۱۳۸۶: ۱۳۵) این شیوه هرچند بیشتر به علوم طبیعی مربوط است، اما رفته رفته در پژوهش‌های علوم انسانی نیز به کار می‌رود. در پژوهش‌های ادبی نیز کسانی مانند «سنت بوو» «تن» و «برونیترا» از این شیوه پیروی می‌کردند. آنان می‌خواستند برای ادبیات نیز قوانین ثابت، مانند قوانین علوم طبیعی وضع کند، به طوریکه بر تمام ادیبان و همه‌ی آثار ادبی قابل تطبیق باشد. (رضی، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

کتاب حاضر از نخستین کتاب‌های است که به زبان عربی به مقوله سبک‌شناسی آماری می‌پردازد. اما از آنجاکه عمده مباحث از مطالعات غربی گرفته شده است نمی‌توان گفت که مطالب جدید است. با این حال با توجه به جامعه علمی‌ای که این کتاب برای آنها نوشته شده است (اندیشمندان کشورهای عربی) این کتاب بی‌نظیر می‌باشد. به عبارت دیگر نوآوری اصلی این کتاب، پیاده‌سازی نظریات آماری غربی بر متون عربی و انتقال این نظریات به حوزه مطالعات عربی می‌باشد. برای اثبات این مدعا به محور اصلی هر یک از فصول اشاره می‌شود:

- فصل اول: تبیین آراء و نظرات مختلف در خصوص سبک و سبک‌شناسی. که این موضوع اگرچه در این کتاب بسیار خوب تبیین شده است اما غالباً در کتابهای دیگران نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

- فصل دوم: بنابر تصریحات نویسنده در صفحات ۹۰-۹۱ اندیشه اصلی این تطبیق آماری، نظریه TTR می‌باشد که متعلق به «جانسون» می‌باشد.

اما در این خصوص نقدهایی وارد است. در بعد واژگانی صرفاً به پرمایگی واژگان نمی‌توان اکتفا نمود. بلکه علاوه بر آن، ویژگی‌های متعددی وجود دارد که متن را به صورت یک رشته از واژه‌ها یا کاراکتر در می‌آورد و به عبارت دیگر سبک واژگانی آن را شکل می‌دهد. ویژگی‌هایی از جمله طول جملات، توزیع طول واژه‌ها در متن، تعداد تکرار کلمات منحصر به فرد، تعداد تکرار انواع n-gram با طول مختلف و ... (فرهمندپور، ۱۳۹۱: ۲۸) از

سوی دیگر خصوصیات واژگانی دیگری نیز قابل طرح است. از جمله میانگین طول کلمات، میانگین طول جملات بر حسب کاراکتر، میانگین تعداد کلمات موجود در جملات، توزیع کلمات کوتاه مثلا با طولی کوچکتر یا مساوی سه کاراکتر، توزیع کاراکترهای فارسی، توزیع تعداد پاراگراف، توزیع تکرار کلمات با طول یک تا ۳۰، توزیع کاراکترهای انگلیسی، توزیع کاراکترهای عددی، و توزیع کاراکتر نیم فاصله در متن. (فرهمندیپور، ۱۳۹۱: ۲۹)

از سوی دیگر در خصوص سنجش خود پرمایگی واژگانی معیار TTR یا type-token ratio که به صورت $\frac{V}{N}$ محاسبه می‌شود. در این عبارت، V تعداد واژگان مجزا در متن مورد نظر و N تعداد Token ها (هر Token، یک کلمه، عدد یا نشان نقطه‌گذاری است) در آن متن است. صرفاً یک معیار است اما معیارهای دیگری نیز برای سنجش یک متن ارائه شده است. Stamatas و همکاران و Baayen و همکارانش از مجموعه‌ای از ۵ تابع به عنوان ویژگی استفاده کردند. این ۵ تابع به نام‌های k ، R ، S ، W ، D ، که به ترتیب توسط Yule، Simpson، Sichel، Brunet، Honore ارائه شده‌اند. این توابع با عبارات (۱) تا (۵) تعریف می‌شوند (فرهمندیپور، ۱۳۹۱: ۲۸).^(۱)

$$k = \frac{10^4 (\sum_{i=1}^{\infty} i^2 v_i - N)}{n^2} \quad (۱)$$

$$R = \frac{(100 \log N)}{\left(1 - \left(\frac{v_1}{v}\right)\right)} \quad (۲)$$

$$W = N^{v-d} \quad (۳)$$

$$S = \frac{v_2}{v} \quad (۴)$$

$$D = \sum_{i=1}^v V_i \frac{i(i-1)}{N(N-1)} \quad (۵)$$

اما چنانچه پیش از این اشاره شد کتاب فارغ از تحلیل و نقد این آراء مختلف می‌باشد.

- فصل سوم: بنابر تصریحات نویسنده در صفحات ۱۲۲، ۱۲۶ و... اساس فصل دوم برگرفته از نظریه «یول» در خصوص بررسی آماری می‌باشد.
- فصل چهارم: نویسنده در این فصل از شیوه‌های آماری مذکور کمک گرفته است تا برای نمونه به بررسی استعاره در شعر شعرای عرب پردازد. و چنانچه در صفحات ۱۹۲ و ۱۹۳ تصریح شده است، برای تقسیم‌بندی انواع استعاره از شیوه «لانندن» تبعیت شده است.

یکی از نقاط قوت این اثر این است که نویسنده با توجه به تبحر بالایی که دارند معادل‌یابی خوبی برای اصطلاحات تخصصی داشته‌اند. و از سوی دیگر در موارد بسیار زیادی معادل انگلیسی اصطلاحات تخصصی را ذکر نموده‌اند. هرچند بهتر می‌بود که این معادل‌ها در پاورقی آورده می‌شدند. البته جای تاسف دارد که با وجود غنای بالای اصطلاحات تخصصی در این اثر، کتاب حاضر فاقد واژه‌نامه اصطلاحات می‌باشد.

۸. نتیجه‌گیری

بررسی بعد شکلی‌کتاب حاکی از این است که نواقص متعددی در حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی وجود دارد البته چنانچه گفته شد غالب این نواقص بدین خاطر است که کتاب قریب بیست سال منتشر شده است. علاوه بر اینکه کتاب خالی از اشتباهات تایپی نیست. بررسی بعد محتوایی با محورهای میزان رسایی اثر، تنظیم فهرست منابع و ارجاع‌دهی، تحلیل و بررسی، روزآمدی و نوآوری، و اصطلاحات تخصصی به ترتیب به نتایج ذیل منتهی گردید. ۱- اثر حاضر از سطح شیوایی خوبی برخوردار است اما وجود ابهامات بیانی به خصوص در مباحث آماری، عدم ترجمه برخی متون لاتین، نبود پاورقی‌های توضیحی کافی، عدم معرفی منابع مرتبط با مباحث، عدم تنظیم واژه‌نامه تخصصی، از جمله مواردی است که در تا حدودی از رسایی اثر کاسته است. ۲- علی‌رغم استفاده بهینه از منابع اصلی پژوهش، عدم تنظیم فهرست منابع از جمله نواقص اساسی اثر شد و این امر به این دلیل است که کتاب حاضر در حقیقت مجموعه مقالاتی است که قبلاً به صورت مستقل چاپ شده‌اند. و ایراد اصلی استناددهی استفاده نویسنده از سبک‌های ارجاع‌دهی متعدد می‌باشد. ۳- استفاده بهینه از منابع دست اول باعث گردیده تا نظریات اندیشمندان غربی بی‌واسطه به خواننده عربی انتقال یابد. اما نویسنده غالباً به یک نظریه اکتفا نموده است و از به چالش کشیدن نظریات اجتناب نموده است. ۴- نوآوری اصلی کتاب، پیاده‌سازی نظریات آماری غربی بر متون عربی و انتقال این نظریات به حوزه مطالعات عربی می‌باشد. ۵- نویسنده در معادل‌یابی اصطلاحات تخصصی از تبحر بالایی برخوردار است، هرچند عدم تنظیم واژه‌نامه اصطلاحات تخصصی امکان استفاده بهینه از این موضوع را از میان برده است.

پی‌نوشت

۱. در این روابط، V_i تعداد کلماتی است که دقیقاً i مرتبه تکرار شده‌اند و a پارامتری ثابت با مقدار $0/17$ است. برای هر متن این توابع محاسبه شده و یک بردار از پنج ویژگی تشکیل می‌شود.

(فرهمندپور، ۱۳۹۱: ۲۸)

کتاب‌نامه

- حسین، نبیل علی. (د.ت). «هل أصبحت الأسلوبية بدیلا؛ علمية الأسلوبية». https://uop.edu.jo/download/Research/members/40_2071_nabi.pdf
- رضائی نبرد، امیر. (١٣٨٩). «سبک‌های حروف‌نگاری». کتاب ماه هنر. شماره ١٥٠. ص ٤٦-٥٧
- رضی، احمد. (١٣٨٦). «روش در تحقیقات ادبی». گوهر گویا. س ١. ش ١. ص ١٢٩-١٤١
- شمیسا، سیروس (١٣٨٨). کلیات سبک‌شناسی. ج ٣. تهران: میترا
- عبدالمطلب، محمد (١٩٨٦). «المنهج الإحصائي و الأدب». مجلة إبداع. رقم ٤. ص ٢٦-٢٣
- فرهمندیور، زینب. هومان نیک‌مهر. محرم منصوری‌زاده. امید طیب‌زاده قمصری (١٣٩١). «یک سیستم نوین هوشمند تشخیص هویت نویسنده فارسی‌زبان بر اساس سبک نوشتاری». محاسبات نرم. شماره ٢. ص ٢٦-٣٥
- فضل، صلاح. (١٩٨٣). «من الوجهة الإحصائية في الدراسة الأسلوبية». مجلة فصول. رقم ١. ص ١٢٩-١٤٠
- فضل، صلاح. (١٩٩٨). علم الأسلوب مبادئه وإجراءاته. ط ١. القاهرة: دارالشروق.
- فیروزیان، مهدی. (١٣٨٩). «نگاهی به موسیقی شعر حافظ». کتاب ماه ادبیات. شماره ١٥٤. ص ٥٩-٥٤
- محمد، أحمد علی. (٢٠١٠). «التكرار وعلامات الأسلوب في قصيدة نشيد الحياة للشابي دراسة أسلوبية إحصائية». مجلة جامعة دمشق. المجلد ٢٦. العدد الأول والثاني. ص ٧٢-٣٥
- مصلوح، سعد. (١٩٨٢). «قياس خاصية تنوع المفردات في الأسلوب: دراسة لنماذج من كتابات العقاد والرافعي وطه حسين». مجلة كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الملك عبد العزيز، ع ١
- مصلوح، سعد. (١٩٨٥). «الأسلوب والمصادرة على المطلوب». مجلة فصول. المجلد الخامس. العدد الثالث. الجزء الأول. ص ٢١٥-٢٠٧
- مصلوح، سعد. (١٩٨٧). «في التشخيص الأسلوبی الإحصائي للاستعارة: دراسة في دواوين البارودي وشوقي والشابي». مجلة الحياة الثقافية. رقم ٤٥. ص ٣٦-٤٧
- مصلوح، سعد. (١٩٨٩). «الدراسة الإحصائية للأسلوب بحث في المفهوم والإجراء والوظيفة». عالم الفكر. رقم ٣. ص ٧٠٨-٦٦٧
- مصلوح، سعد. (١٩٩٢). الأسلوب دراسة لغوية إحصائية. ط ٣. القاهرة: عالم الكتب
- مصلوح، سعد. (١٩٩٣). في النص الأدبي دراسة أسلوبية إحصائية. ط ١. القاهرة: عين للدراسات والبحوث الإنسانية والاجتماعية
- مصلوح، سعد. (١٩٨٢ الف). «تحقيق نسبة النص إلى المؤلف؛ دراسة أسلوبية وإحصائية في الثابت والمنسوب من شعر شوقي». مجلة فصول. المجلد الثالث. العدد الأول. الجزء الأول. ص ١٢٢-١٤٠
- ناظم، حسن (٢٠٠٢). البنى الأسلوبية. ط ١. المغرب: المركز الثقافي في المغرب. ص ٥٢